



حقیقت انقلاب ثور

ادگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

یکشنبه ۲۴ جولای ۱۳۶۶
June 14, 1987
سال هفتم شماره ۲۴۰
شماره مسلسل ۱۷۵۹
سال تأسیس ۱۳۵۹

در مورد تحقق مشی مصالحه ملی و آماده گی برای کنفرانس سر اسری حزبی

فشرده گزارش رفیق نجیب منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، در پلینوم ماه جوزای کمیته مرکزی ح.د.خ.ا

۱۴۵ روز از اعلام مشی مصالحه ملی توسط حزب حاکمیت مردمی میگذرد. این روزها روزهای مبارزه و امیدها، روزهای پیروزی و اندوهها، اما بدون شک و تردید در خشان ترین روزهای تاریخ ۲۳ ساله حزب دموکراتیک خلق افغانستان بوده است. ما کارهای زیادی را انجام داده و راه دشواری را پیموده ایم. اهداف ما مانند قتل پر برف می در خشم، بعضاً بسیار نزدیک معلوم شده و در برخی موارد با اینها پو شاییده میشوند، اما در فضای دشوار هم اهداف خود را به خاطر داریم و بسوی آنها پیش میرویم.

در این مدت ما گرانها ترین تجارب زنده و واقعی مصالحه را حاصل نمودیم. اکنون ما در آن شرایط قرار نداریم که در ماه جدی قرار داشتیم.

مصالحه ملی طی این مدت از دعوت، شمار و آرزو به صفحه جدید تاریخ ما مبدل گردیده است. مصالحه به تفکر نوین و واقعیت تبدیل میگردد. اشکال مشخص بخود و خلعت سراسری ملی را کسب مینماید. در پرتو این سیاست مردم صدمه دیده از جنگ ۹ ساله در هر دو جانب امکان بیرون رفتن از بحران خونین را مشاهده نمودند. این سیاست از تأیید و مساعدت وسیع بین المللی برخوردار گردیده است.

مصالحه ملی زاده ذهنیت کسی نیست، بلکه یکی از خدمات شایسته حزب می باشد که با پیروی از تیوری علمی

انقلابی چیزی را که خواست مردم مردم بوده، ارائه نموده و سیستم اندیشه های جسورانه و همه جانبه را پیشکش کرده است.

البته پروسه های اجتماعی ناگزیر نیست نتایج سریع را در یک لحظه بدست دهند. این نتایج را نمیتوان با ارقام ابراز نمود، گرچه این ارقام روز بروز افزایش یافته و بصورت عینی این امر را ثابت میسازد که ما در یگانها راه درست قرار داریم.

در جلسات ماه حمل فعالیت عملی کمیته مرکزی، بیرونی سیاسی آن و شخص منشی عمومی کمیته مرکزی و مشی مصالحه ملی از پشتیبانی همه جانبه اعضای حزب برخوردار گردیده و این امر برای ما عمده ترین و گرانها ترین نتیجه کار ما می باشد.

نتایج این مشی در هر اندازه که به این پروسه عینی تر فرو میرویم ابعاد و اهمیت آن به همان اندازه آشکار تر میگردد و مسایل جدیدی بوجود می آیند. از طرف دیگر سیاست مصالحه ملی میتواند صرف کار حزب و دولت ما باشد. طرف مقابل نیز باید قسمت راه مربوط به خود را صادقانه طی نماید. مصالحه ملی جاده یکطرفه نیست، لذا باید نظر داشت نیازمندی های اجتماعی و منافع تمام مردم افغانستان بر اساس تصامیم متکامل تر به پروسه مصالحه باید تحریک جدی شود. نیرومند بخشد شود. بیایید توافق کنیم که ما مردم را به حقانیت انتخاب ما متقاعد ساخته ایم، حالا باید مردم را برای تمرین بر انگیزیم. سرعت جدی در تمام فعالیت های صلحجویانه ما باید ایجاد شود. به نظر بیرونی سیاسی چنین روحیه باید در فضای پلینوم امروزی ما حکمفرما گردد. با در نظر داشت تیوری و عمل ستراتیژی

این دستاورد ها محاسبات و نقاط اتکاء بعدی پیشروی خویش را مشخص سازیم. باید گفت هنوز گام های اول فقط گام های اول بر داشته شده است. با گذشت زمان ما به پشتیبانی مردم و کمک های روز افزون دوستان می توانیم به نتایج بیشتر نایل آیم. در راه تطبیق این مشی جدی مشکلات و موانع قابل ملاحظه نیز موجود می باشد، از جمله مداخله مسلحانه از خارج، موجودیت وضع پیچیده در بعضی مناطق ستراتیژیک کشور، توسعه ابعاد جنگ اعلام نشده علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان. با کستان حفظ منافع ملی و امنیت کشور خود را با توسعه کمک برای ضد انقلاب افغانی همگون میسازد. از ماه تئور ۱۳۶۶ بدینسو در اثر تلاش های حکومت آمریکا و پاکستان از جانب ضد انقلاب ایجاد به اصطلاح شورای ملی مجاهدین با خصلت وظایف حکومت انتقالی افغانستان در آینده آغاز گردیده است. حلقه متجاوز ضد انقلاب از ابراز تمایل نسبت به مشی جمهوری دموکراتیک افغانستان در ارتباط به ایجاد ائتلاف مبنی بر پایه های سیاسی ابا و رزیده و در مفهوم کمپرومایزمنسی بر کناری و انصراف مکمل حزب دموکراتیک خلق

کرفته است. این امر دعوت حزب دموکراتیک خلق افغانستان به صلح را خصوصیت بر گشت نا پذیر داده و شرایط واقعی راجع به کسب اتوریت و حیثیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان در میان توده ها ایجاد مینماید. این یک نتیجه عمده و نقطه آغاز جهت کار بعدی است. اندیشه و سیاست مصالحه ملی علاوه بر موانع قابل ملاحظه در داخل کشور، در ملل متحد، در سازمان کنفرانس اسلامی، در مذاکرات افغان-پاکستان و پاکستان و ایران از عقب سیم های خاردار کمپنها عبور نموده و قبل از آنکه مسا له شان از طریق دیپلوما تیک حل گردد بخانه و کاشانه پدران و نیاکان خود عودت کرده اند. طبیعی است اگر حکومت کشور های خارجی متخاصم علیه گرایش کلتوری میا جریین برای عودت بوطن موانع جزی ایجاد نمی نمودند تعداد آنها به مراتب بیشتر ازین می بود.

تلاشهای متناوب به مقصد ایجاد حکومت افغانستان گرچه تمهید نیز ناکام گردیده، گرچه قابل در برابر انتخاب دشوار قرار داده شده است. یعنی اینکه یا صلح را بپذیرد و یا بخدمت بمنافع خود خواهانه بداران امیر یا لیستی خود ادامه دهد.

پروسه تجزیه و گروه بندی در داخل ضد انقلاب مسلح تشدید گردیده است، با گذشت هر روز تعداد مخالفین مسلح سابق که بجا میمانندند افزایش می یابد، بسیاری از آنها در قوت های منطقه ای بشتیانی و تانید آنها قرار

دارد و تعداد قابل ملاحظه قریه ها طی زمان سپری شده مصالحه از طریق صلح آمیز در تحت حاکمیت دولتی قرار گرفته اند. تمام پروسه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زیر تا لیر تمر بخش اندیشه های صلح تسریع گردیده است. اولین پلان پنج ساله بعد از انقلاب خدمت مینماید و یا بکار

تأیید صلح سراسری توانایی کشور را برای شکوفایی، ترقی و رفاه همگانی بالا میبرد. مشی مصالحه ملی تضمین کننده چنین تواناییست. هموطنان ما باید در حقانیت این مشی انسان دوستانه تمام انرژی و خرد خود را به کار می بندند تا سهم شایسته و وطن پرستانه خود را در عمران و آبادانی کشور خود ایفاء نمایند.

عکسها: دو تن از کارگران مطبعه صکوک مصروف هماهنگیهای ایجاد گرانه. یکی از دهقانان زحمتکش که بعد از استماع فرمان پرنسپ های سیاسی تنظیم مناسبات ارضی و آب در کشور و دریافت مساعدت های مواد کیمیاوی به برداشت حاصل بیشتر از زمین خودی اندیشد.



کار سازنده، صلح و ترقی



شهیدان آرامگاه ابدی

جنازه های قربانیان حادثه سقوط طیاره مسافربری به خاک سپرده شد

جنازه های شهدای حادثه سقوط طیاره مسافربری ۲۶ در فضای ولسوالی شاه جوی ولایت زابل که مورد هدف راکت سنگین امریکایی قرار گرفت، قبل از ظهر دیروز در میان موج تائر و تالم و ناله باز ماندگان شهدا، اقارب و دوستان در تپه شهدا به خاک سپرده شد.

این عمل ناجوا نمرده و دور از کرامت انسانی در شرایطیکه هنوز اشکهای غم و ماتم در چشم های آنعمده عزیزان، دوستان و اقارب شهدای حادثه سقوط طیاره مسافربری در لوی ولسوالی خوست و نظیر آن قرار دارد، غایب است و مخالف خشمناک نگردیده است، خشم و نفرت

عمیق ملیونها هموطنان زحمتکش و صلح دوست ما را نسبت به عاملین آن برانگیخت. دین مقدس اسلام، شریعت غرای محمدی و عواطف انسانی از طرف همزادان امپریالیزم واره تجاع با استفاده از راکت های سنگین ساخت امریکا انجام یافته و منجر به شهادت ۵۲ هموطن ما منجمه ۱۶ کودک و ده مادر گردید، ما حیت واقعی دشمنان صلح و آرامش در وطن عزیز ما را بیشتر از پیش افشا ساخت.

در مورد تحقق مشی مصالحه ملی و آماده گی برای کنفرانس سراسری حزبی

(بقیه ص ۱۰)

از خود گذری وفاداری به امر انقلاب و نه به شخصیت های جداگانه، وفاداری به حزب نه به کدام جناح آن انجام داده است. در زمان سپری شده، در نقاط شور و زخمی، بنسب چو یا و فرید لعلی، منشی ها و معاونین کمیته حزبی شهر کابل، رفیق طغیان منشی کمیته حزبی ولا یستی کابل، رفیق همدرد منشی کمیته حزبی ولا یستی جور جان، رفیق سیاهی منشی کمیته حزبی ولا یستی هرات، رفیق پشاور منشی کمیته حزبی ولا یستی، رفیق نذیر احمد، رفیق پور منشی کمیته حزبی ولا یستی لغمان، رفیق لایق سیر، بکتین و نظر محمد با از خود گذری کار نموده اند.

در عین زمان ماهور سیاه دست کادری را باز سازی نه نموده ایم و با گذشت در برابر دشمنان های خوشاوندی، رفقا... تحت شخصی و جناح پرستی به اشتباهات دچار میشویم، بعضی شباهت کمیته مرکزی جرات کافی ندارند تا هر یک بدیده رانیم و بعضی آن سستی ننموده و فراتر از آنانی را که کسار انقلاب با کسب چوکی رهبری کننده در کابل ویا ولایات برای شان تمام شده است، مطالبه نمایند.

یک ضرب المثل مردم ما را بخاطر می آوریم که میگویند: آب استاده زود گدازد نمیشود. فکر میکنم مفید خواهد بود این ضرب المثل را به بحث اساسی کار خود با کادر ما قرار دهیم. هر کدو و تخم حرکت در ترکیب کادر ما به کار ما صدمه جبران ناپذیر میرساند، ما اصول تالیق کادر های سابقه دار و تجرب را با جوانان ضعیف رعایت نمینماییم، چرا ما ترس و هراس داریم تا جوانان را عرض آنانی که بی دسیله می نموده و از عهد پلان پدر نمی آیند ویا کار خود را باز سازی نمی نمایند، ارتقاء دهیم، مصالحه ملی هزاران و هزاران ساله زمانه مستعد و لیدران توده ها را بر چسبه ساختن ایدئولوژی آنها را جستجو نمود، پرورش داد و به آنها وظایف جدی و عظیم را سپرد. منظور من نخست از همه کار گران، ده ها قین، سربازان و افسران اند. ما به استعداد ها ضرورت داریم نه مقامات.

باید دایما مسایل کادری را در پیوند گسست ناپذیر با تحقق سیاست مصالحه ملی حل و فصل نمود و در همه جا نهاد یندگی مساویانه اقوام و ملیت ها را در ارگان های رهبری کننده حزب دولت تأمین کرد. در رابطه با ارتقای کادر های زن باید گفت که آنها اصلا در رهبری و در حلقه متوسط وجود ندارند. در حالیکه در حزب ما (۱۲۰۰۰ زن و بطورست عضویت دارند. در بعضی مقامات خاص برای زنان، مردان فقر شده اند. کار دقیق و مشکل جهت اصلاح وضع موجود پیشروی ما قرار دارد، امروز هر کدام از امکان تبارز استعداد خود برخوردار هستیم. در حزب کار زیاد وجود دارد اما ما به آنانی که خود را باز سازی نه نموده و برود اند که در سبزه نماند و نمیخواهند به مصالحه و صلح نمایند و حتی تلاش مذبحانه می ورزند تا پروسه آثرا به کندی مواجه سازند، قاطعانه خدا حافظی خواهیم کرد. ما نباید با تبلیاتی که در مقامات رهبری کنهت قرار

دارند بحساب منافع حزبی و مردم مهربانانه برخورد نماییم. امروز ما بیشتر بر مسوولین و آنانی که میتوانند راهنمای راه مصالحه هم در شهر و هم در قریه باشند، اتکاء مینماییم. منافع حزب و مردم برای ما از همه چیز بالاتر است و قانون انتخاب کادر ما باید تنها مکی بر چنین اصل باشد، کادرهای رهبری کننده ای که میتوانند مردم اتکاء نمایند و از پشتیبانی مردم برخوردار شوند قبل از همه ضامن پیروزی داعیه مصالحه اند.

پیروی سیاسی کمیسیون مخصوص امور کادر ها را ایجاد نموده است که بصورت مقتدائی و با دقت هر کاندید جدید را برای مقایسه که شامل لیست مقامات مورد منظور کمیته مرکزی باشد، بررسی می نماید. قوسمه و تعمیق مصالحه یعنی باز سازی کسار سلقاتی است که با مردم از همه نزدیک تر اند، ما باید که فعالیت سازمان های اولیه حزب چگونه تسریع مییابد.

اگر به تعداد ساز مانهای اولیه حزب افزوده میشود مسلما تعداد منشی های ساز مانهای اولیه نیز از یاد می یابد، بدین ترتیب پروبلم کار با آنها مطرح میشود. باید در جنب هر کمیته ولایتی مکتب منشیان سازمان های اولیه حزبی جهت آموزش اساسات ساز خندان حزب ایجاد و برای تدریس در این مکتب منشیان و مسوولین شجاعت کمیته های ولا یستی جلب گردند، ما باید به منشیان بیاوریم، آنها را با تجارب کار حزبی مجهز سازیم، در این امر ذخیره مسلمان ارتقای سطح قابلیت رزمی سازمان های اولیه نبخته است.

پروبلم روابط مقابل منشیان ساز مان های اولیه با مسوولین موسسات و دوایر دولتی نیز موجود است. مقصر و متخلف از تشریک مناعی و همکاری گم بخش ولو منشی و یا مسوول موسسه و اداره باشد جزای حزبی دیده واز وظیفه سبکدوش خواهد شد. راه مطمئن بسوی تحقق مشی مصالحه عبارت از ارتقای سطح ساز ماندهی و قابلیت رزمی حزب و ساز مانهای اولیه آن بخصوص در مناطق روستایی و سرحدی میباشد.

در مورد رشد صفوف حزب طی دوره بعد از پلینوم هجدهم کمیته مرکزی یعنی در ظرف یکسال (۲۹۰۰۰) نفر به حزب پیوسته اند که از جمله ۱۸ فیصد را کار گران ۲۷۸،۰۰۰ فیصد را دهقانان، دو فیصد را پیشه وران ۲۵۰ فیصد آنها را نمایندگان رو شنگران تشکیل میدهند. چهل فیصد اعضای جدید الشول دارای سن الی سنی سال میباشد. به چنین کمیت و کیفیت میتوان مسرور گردید و افتخار کرد. ما باصدا های خصمانه خارجی و افواها در داخل کشور که می گفتند به از تعویض رهبری حزب دموکرا تیک خلق افغانستان در شرایط مصالحه هیچ کس به صفوف حزب دمو کراتیک خلق افغانستان نخواهد پیوست، حزب آنها هستند. اما مردم به حزب ما آمده اند و این رشد صفوف معیار خوب و شایخص بر جسته پشتیبانی مردم از حزب خود و رهبری آن میباشد.

جلسات حزبی ماه حمل رویداد عظیم زنده گی درون حزبی در مدت سپری شده

است، این جلسات در عین زمان از چند وظیفه را انجام داده و به مکتب تر بیست سیای سبب نشینی های گفت و شنود و لکچر در مورد مصالحه سیاست جد ید مصالحه مید ل گردیدند. این جلسات نمونه در خشان رشد بعدی دمو کراسی درون حزبی گردیدند. برای نخستین بار در حزب چنین گفت و گوی علنی با اعضای آن صورت گرفت. برای نخستین بار بعضی اعضای عادی حزب در رابطه با مسائل اساسی زنده گی کنونی حزب دمو کراتیک خلق افغانستان و دولت انقلابی ما صحبت نمودند. این جلسات پره کتیک کار حزبی و تمام زنده گی سیاسی و اجتماعی جامعه ما را در شرا یط مصالحه ملی غنا بخشید.

این جلسات علاقه مندی عظیم اعضای حزب ما را در تطبیق مو فقا نه مشی مصالحه ملی و تحکیم بعدی وحدت صفوف حزب نشان داد. برای حکومت امکان آثرا فراهم آوردن در مورد سولات مختلف اعضای حزب که در برابر مسو و لیسن مطرح کردند تفکر و تمیق نماید و در نتیجه زمینه آثرا بوجود آورد تا نماینده گان کمیته مرکزی جبهه تشبیت و نکات ضعیف کار حزبی را مشخص نمایند.

در جریان جلسات ابتکار رات گرانها و یگننه دات زیاد از اعماق تسوده های زخم کش ارنه گرد ید این امر ارزش بسزا یی دارد و نمایا نگر آنست که درست مردم ما ایجاد کرد حزب دمو کراتیک خلق افغانستان، شو رای انقلاب بی و شورای وزیران جمهوری دمو کراتیک افغانستان مو لف اند با مردم بیشتر مشوره نموده و از بخش پیشرو آنها بیاموزند.

در این جلسات بسیاری از نواقص کار ساز مانهای اولیه، حلقهات شهری، نو حی و ارگان های مرکزی بر ملا گردید. بیرونی سیای مصوبه ها و سوا ی حدایات مربوط به وزارت خانه ها و دوایر دولتی را صادر نمود. به تمام اعضای بیرونی سیاسی که در نواحی کار نموده بودند وظیفه داده شده است طبعی دو ماه جریان حل و فصل مسائل مطرحه را کنترل نمایند. همه رفقای که در ساز مان های اولیه صحبت نموده بودند با ید به اعضای حزب در مورد اجرای تقاضا های آنها از ارگان های مرکزی گزارش دهند، در این روز ها چنین ملاقات ها با اعضای حزب در شهر کابل صورت گرفت. هفت عضو بیرونی سیاسی از طریق وادیر و ارتقای اتور یتنه جلسات حزبی وابسته به این امر است که ما تصمیم اتخاذ شده آنها را چگونه تطبیق لیمنا یم، چنین ملاقات ها به رفع نواقصی مانند تجر ید رهبری از کادر های محل و توده های

مردم مساعدت مینماید. رفقا! ما در استان ه مهم ترین رویداد زنده گی حزب قرار داریم. در ماه سرطان ده سال از روز وحدت دو جناح حزب دمو کراتیک خلق افغانستان در یک حزب واحد میگذرد، از آنوقت مر حله جدید و چرخش در زنده گی و فعالیت حزب ما آغاز میگردد. طی مدت کوتاهی تا نیر حزب بالای مبارزات سیاسی در کشور افزایش یافته، دوست و دشمنان حزب واحد دمو کراتیک خلق افغانستان نقش قاطعی در امر آمادگی و به پیروزی رسانیدن انقلابی دمو کراتیک تور و بدست آوردن قدرت سیاسی ایفا نمود. هیچ یک گروه و جناح جدا گانه قادر نبود تا این وظیفه تاریخی را انجام دهد. هیچ یک ساز مان سیاسی نمیتوانست از لحاظ نیرو و تاثیر خود بالای زنده گی اجتماعی خلق افغانستان تکیه خلقی یا حزب دمو کراتیک نماید، ما به بزرگداشت این رویداد بر جسته در زنده گی حزب ما باید درس های حاصله از آنرا بیاموزیم فقط و فقط حزب واحد و یکپارچه و با دسیله می تواند در عمل نیروی محرکه جامعه باشد. در این زمینه میا حثات سراسری حزب که در ماه حمل روی این مسایل صورت گرفت نقش بسزایی دارد. در فروغ علنی رفقای حزبی مستقیما ضرورت تحکیم هر چه بیشتر وحدت حزب و اخراج فر کسیون بازان را از حزب مطالبه نمودند. ما به کمیسیون وحدت صفوف حزب که در جنب بیرونی سیاسی ایجاد گردیده است امید خاص بسته ایم.

دوم: میخواستم در پاره انشلاف مفصل تر معلومات بدم: حزب دمو کراتیک خلق افغانستان به این عقیده بود و میباشد که شرا یط عینی برای ایجاد انشلاف عملی و واقعی نیروهای دموکراتیک و همه نیرو های وطنپرست در کشور وجود دارد. این انشلاف قادر به قطع جنگ برادر کشی، تأمین عادی ساز ختن وضع در کشور و حل و فصل بر لب های تاخیر ناپذیر ملی میباشد. برای این امر ضرورت می افتد تا مساعی تمام احزاب و گروه های سیاسی، روحانیون، ساز مان های اجتماعی و شخصیت های وطنپرست در نهضت واحد ضد جنگ سپیم گردیده و همه ما با تطبیق تدابیر که خصلت سازش را دارند و اساس آن در سیاست مصالحه ملی گذاشته شده است، برداریم. همه در رابطه با مصالحه در سیاست دولتی در شرا یط مصالحه ملی ابراز تشو یش مینمایند، زندگی خود به این سوال پاسخ گفته است. واضح است که قدرت دولتی ما نند خود مصالحه ملی یعنی دارای خصلت سازش بوده و از نماینده گی وسیع تر مردم برخوردار خواهد شد. نیرو های واقعی که اکنون در برابر ما مقابله مینمایند میتوانند به شری که برای مصالحه خدمت نمایند در قدرت در اشکال مختلف مانند ارگان های حاکمیت دولتی بصورت مختلط ارگان های حاکمیت توسط گروه های مسلح و فشار سیاسی با لای ضد

و بیطرفی قرار دارند، سپیم گردند. اکنون به اشکال قدرت می پردازیم، سازشها در سیاست و در انشلاف نیروهای مختلف مترقی تبارز طبیعی و منطقی خود را می یابد، فعالیت صلحجویان نه مردم سسوال های دلچسپ و تا حدودی غیر متر قبه را بوجود آورد. تشکیل حکومت انشلافی در کشور ما از پانین یعنی از خط مقدم مقابل آغاز گردیده و به تدریج قوس صعودی را می بینید ربه قریه، علاقه داری، ولسوالی، ولا یست و بالاتر از آن، وشه میباشد. اگر در مورد جنبه عملی این امر صحبت کنیم باید گفت که در چندین قریه، علاقه داری، ولسوالی و ولایت علایم حکومت انشلافی را مشاهده مینماییم. بخصوص این کار در ولسوالی های کلسار و شور تپیه بلخ بطور دلچسپ جریان دارد. تا اکنون در سراسر افغانستان در حدود ۴ هزار نماینده طرف مقابل در ترکیب کمیسیون های مصالحه ملی شامل گردیده اند. پنج وزیر که در زمان رژیم های سابق کار میکردند در شورای وزیران افغانستان وظیفه مینمایند. ما از این گرایش استقبال نموده و پشتیبانی مینماییم و آماده ایم تا در دوره های وزارت خانه ها، شورای وزیران، ساز مان های اجتماعی و اتحادیه های ایجاد گر را بروی آثا نیکه یا صلح نژدها می آیند، باز نماییم. به یک کله انشلاف سمبول تبلیغاتی نبوده و آن را در حدود واگذاری دوسه چوکی به نماینده گان جانب مقابل محدود نمی سازیم، لازم می آید قدرت را تقسیم کرد. این امر ناشی از قانون مند پهای انقلاب ملی - دمو کراتیک و شرا یط کنونی جامعه افغانستان میباشد. آنچه که بشکل اداره قدرت عالی دولتی در کشور ارتباط میگیرد به نظر بیرونی سیاسی مطابق عنعنات ملی و تاریخی ریاست جمهوری زیاد تر قابل قبول میباشد. ضمنا رئیس جمهور تا ید سمبول قدرت بلکه با ید تجسم واقعی آن باشد.

زمان آن فرا رسیده است که پستها و مقامات دولتی را بطور مشخص بجا نب مقابل پیشنهاد نمی یم، زیرا در بخشی از نیرو های جانب مقابل تایلات مبنی بر سازش و کامیروا ین بشما هده می رسد و اصولا بسوی بخشهای که حاضر به انشلاف و همکاری هستند با ید گامهای عملی و مشخص را برداریم. قایل یادآوری است که موضع گیری های موجود در بین نیرو ها و حلقهات آشتی ناپذیر که امیر یا لیزم امریکا، اداره ریگن و شرکای آن یعنی کشور های تا نور، ارتجاع منطقه و سایر نیرو های متخاصم آنها را تحریک به جنگ و مخالفت میکنند، باید در نظر گرفته شود. میکانیزم پیشنهاد مقابل بجا نب شده میتواند به بطور علنی و یا با پیشی اعلامیه از طریق وسا یل ارتباط جمعی بدون ذکر نام کدام حزب معین و افشاد شخص صورت گیرد. در عین حال زمان میگذرد لازم نیست موضع و موقف انتظاری داشته باشیم. ما به این عقیده هستیم که مهم است تا فشار سیاسی با لای ضد

انقلاب خارجی و داخلی از طریق تنظیم تما سها با نهاد یندگان مهاجرین، نیرو های اعتدالی، سلطنت طلبان، احزاب سه گانه، قوماندانان ردیف دوم بانها، شخصیت های سیاسی رژیم های سابق، روحانیون با نفوذ و مشهور، جلب بخشهای خصوصی قبا یل و گروه های مسلح مخالف در داخل کشور و بشما به مجموعه یی به هم مرتبط باید استفاده بعمل آید. شیوه های انشلافی حکومت مختلف بوده و ارگان های قدرت، ساز مان های اجتماعی، کمیسیون های، فرق الهاده مصالحه ملی را در بر میگیرد. کمیسیون های مصالحه ملی را بر جسته سازم. شکل دیگر مو تر انشلاف هر که های صلح میباشد که در اثر تدوین آنها قرا، علاقه دار یم، ولسوالیها و ولایات صلح مشخص میشوند. این مناطق صلح از طریق انشلاف پس از امضای موافقتنامه ها با طرف مقابل در چوکات کمیسیون های مصالحه ملی تشکیل میگردند. نوع دیگر که عبارت است از حفظ اشکال سابق اداره توسط طرفین و یا وسوال و اما با پذیرش سیاست مصالحه نیز میتواند قابل قبول باشد. در این شرایط ما آماده هستیم تا آنها را از لحاظ مالی تأمین نماییم، ما باید با جرات به ایجاد ارگانهای مختلف قدرت در مناطقی که تحت کنترل ما قرار ندارند بپردازیم. بعد از جرگه صلح قطعات عسکری اعم از افغانی و شوروی از آن منطقه خارج میگردند اما خاندنوی ودفاع خودی محل که در آن مخالفین سابق نیز میتوانند شامل باشند باقی می ماند. تمام ارگانهای حزبی، دولتی، نظامی و ساز مانهای اجتماعی باید به این شکل جدید مبارزه موفقانه بخاطر صلح و عادی ساختن وضع در کشور توجه جدی مبثول نمایند. این کار را باید ما در دو ماه انجام دهیم. در ماه سنبله در نظر است تا جرگه عالی صلح دایر گردد. در این رابطه امروز با شما مشوره های مفصل بعمل خواهد آمد. پیشنهاد اتمی منی بر تدویر جرگه ملیت هزاره که در آن تصدات ذات البینی میان جرگه ملیت هزاره و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان تصویب گردد، ارائه شده اند. در آینده نزدیک اولین جرگه کوچیکان تدویر خواهد یافت.

هفت سال قبل اصول اساسی جمهوری دمو کراتیک افغانستان یعنی سند یکله قانون اساسی موقت کشور است، طرح وانه گردید. ما نهاد یم لازم قانون گذاری برای وحدت نیرو های ملی و وطنپرست تمام مردم رابه مثابه اساس دولت جدید ایجاد نمودیم. درست اندیشه حفظ افغانستان به مثابه دولت دارای حاکمیت ملی و تمامیت ارضی نهادیم. قانون اساسی جدید را تشکیل خواهد داد. ما امیدواریم که این قانون اساسی قانون واقعی صلح ملی خواهد بود. کمیسیون کار خود را روی طرح آن ختم نمود. و این طرح بتقریب جهت نظر خواهی مردم نشر خواهد شد، بگذار اراده مردم ما در مواد قانون اساسی جدید وضع و موقف انتظاری داشته باشیم. ما به این عقیده هستیم که مهم است تا برای غور و بحث ما مطالب آتی را در نظر میگیریم:

۱- عنعنات تاریخی، مذهبی، علمی و فرهنگی مردم باید به شکل دولتی و ما هیت قانون اساسی را طبق اراده مردم تعیین نماید. ۲- حاکمیت را در افغانستان خود مردم در وجود نمایند. ۳- گان با صلاحیت خویش بر اساس احترام و رعایت این عنعنات و دین مقدس اسلام تمثیل مینمایند. ۴- افغانستان باید یک دولت دارای حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، غیر منسلک، صلح و مت، اساس احترام و رعایت این عنعنات و دین مقدس اسلام تمثیل مینمایند. ۵- طرز اداره در افغانستان بشکل انشلافی بوده و بنسب نماینده گان همه نیرو های اجتماعی و ملی، احزاب ساز مان های اجتماعی را که منافع مصالحه را برگزیده باشند، در بر میگیرد. قانون اساسی تعیین مینماید که موسسگری همه جوانب شامل انشلاف بخاطر صلح سراسری منظور شایسته و همه جانبه شیوه انشلافی جدید اداره جا همه و دولت متعکس و در نظر گرفته خواهد شد. ماز انکشاف دیالوگ با جانب مقابل در چوکات غور و بحث سراسری استقبال مینماییم، بدان معنی که در غور و بحث از همه همو طنان خارج از کشور بدون استثناء دعوت بعمل می آید، بخصوص در بین ما و آنها نقاط زیاده تاس و تشا به نظر بر جود آمده است. ۶- مسایل جدید در ساختار اجتماعی و دولتی که زنده گی و جریا ن مصالحه ملی آنها را بر جود آورده است، بعد از غور و بحث سراسری در محتوای قانون اساسی منعکس میگردد. خلاصه همه کار ها برای این امر عملی خواهد شد تا قانون اساسی جدید بصورت سند تقنینی اراده مردم نسبت به صلح و وحدت تمام مردم افغانستان را به خاطر و طن منعکس و تضمین نماید. ۷- ضمن صحبت در مورد طرح قانون اساسی جدید باید بالای یک مساله مهم دیگر نیز مکث نمود. صحبت در این مورد است که نظریه مصالحه ملی باید در تمام عرصه های ساختمان دولتی یعنی در تمام استقامت های خانها یرکه ناشی (افغانستان) است، عملی گردد. ما واقعا در همین جهت تلاش مینماییم. در شرایط مصالحه ملی ما باید بصورت در ست درک ما را در باره قدرت دولتی، در نظر بگیریم. گروه های بزرگ مردم هم در اینجا و هم در اطراف نام فعلی کشور ما را به مشکل درک مینمایند، یکبار دیگر برای همه تذکر میدهم که حاکمیت این حاکمیت در مصالحه نبخته است نه در این امر که کشور را بشکلی بخوانیم تا م گذاری نمانیم. بگذار تنها جمهوری افغانستان قسمی که قبلا بود، باشد و یا بشکل دیگر عه این مسایل را میتوان در پروسه بحث عمومی بالای قانون اساسی جدید بررسی کرد. کنفرانس مینمایم برای ما لازم است که بعد اعظمی منافع جانب مقابل و توده های مردم را که میخواهند سلاح بزمین بگذارند و آنرا بداس مواضع کنند، در نظر بگیریم. اگر این مردم که بخاطر آزادی و انقلاب به پیروزی رسید بخوانند افغانستان را قسمی بنا مند که

آنها میخواهند، ما این امر را درک نخواهیم کرد. ما حقانیت نیرو و اهداف خود را در یک مساله می بینیم که وطن عزیز ما برای امروز و همیشه واز همین اکنون دارای تمام میست ارضی، حاکمیت ملی، بیطرف، غیر منسلک، صلح و مت، کشور اسلامی، دارای علاقه مندی همسایه گی نیک و خانواده واقعی تمام مردمان باشد. خاطر نشان میسازم که مساله نام دولت در افغانستان بین المللی هم در منطقه هم در مقیاس وسیعتر میباشد. نام دولت باید در خود نه مقایسه با بلکه بر عکس سلا ف مندی بپیکاری و نزدیکی نبفته داشته باشد. برای ما نیز لازم است بالای این مساله که وفا داری مابه صلح در وطن و خارج ازمرز های آن به عنعنات و منافع همکار ربهای منطقی و بین المللی در نام کشور متباز گردد. فکر نماییم. کنفرانس مینمایم: بگذار تمام اهالی بشمول همو طنان خارج از کشور ما این مساله را بر رسی نموده و آنرا مطابق به اراده شان حل نمایند. بصورت کل در ساختار دولتی و در زنده گی اجتماعی سیاسی نباید براه فرعی و تحمیل چنان ابتکارات، ایده ها و اشکال تشکیلاتی که مردم آماده پذیرش آنها نبوده و ازین رو به آن نیازی ندارند، گام گذاشت. ما بار ها مر تکب چنین اشتباهات گردیده و اکنون با ید آنها را در عمل مرفوع سازیم.

مساله سیستم چند حزبی بهما به ادامه و رشد عنعنات سیاسی ما مطرح است. این امر به هیچ وجه با ما هیت انقلاب ملی - دمو کراتیک در تضاد قرار ندارد. بر علاوه سیستم چند حزبی در مراحل عالی تر انقلاب های اجتماعی نیز بشما هده میرسد. ما کشور ما زمینه های علنی ساختن تعدادی از احزاب و ساز مانها که از چند سال به اینطرف فعالیت دارند و میخواهند به تسریع پروسه مصالحه ملی خدمت نمایند، ما وجود آمده است. ما تحمیل نمی نماییم که این احزاب با حزب دمو کراتیک خلق افغانستان در مسایل تیوری، سترا تیژی و تاکتیک توافق کامل نمایند، آنها می توانند نقطه نظر خویش را داشته باشند ولی بدون تردید یک مطلب مطرح میباشد که هر حزب و یا ساز مان مکلف است از هدف همه گانی یعنی از سیاست مصالحه ملی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، استقلال و سیاست عدم انشلاف، استقرار صلح در افغانستان، استحکام دوستی و تعاونی و تاریخی با اتحاد شوروی، رشد مناسبات با کشور های همسایه، پشتیبانی که نماید. طبیعتا آنانی که به تشریک سیاسی با هده یگر ضرورت دارند میتوانند ببلوک یا اتحاد را فوق الذکر میتوان چنین نتیجه گرفت که احزاب می توانند بطور مستقل نه بشرط استفاده از اشکال و میتودها و وسایل صلح آمیز در فعالیت های خویش وجود داشته باشند، واضح است که چنین اتحاد نیرو های سیاسی کشور میتواند بطور موفق تر در چوکات جبهه ملی انجام یابد.

در مورد تحقق مشی مصالحه ملی و آماده گی برای کنفرانس سراسری حزبی

(بقیه صفحه دوم)

هیچ چیزی غیر منتظره نخواهد بود اگر آنانی که هنوز با نیب سته اند نه تنها در سطح جبهه ملی بلکه بر مبنای بلوک سیاسی و اتحاد پایدار احزاب خویش را ایجاد نمایند .

میکا نیز چنین بلوک واضح است . احزاب بیکه در آن شامل شده اند کنگره موسس رادایر نموده و در آن بلا تفورم واحد مصالحه را تصویب و شورای انبجام را که فعالیت بلوک را رهبری میکند ، ایجاد می نمایند . بلوک بر خورد خود را نسبت به حکومت میتوان در بر نامه خود دقیق سازد . متعینین ما بار ها مساله ایجاد احزاب جدید را مطرح نموده اند . بیا معلوم است که روحانیون ما میخواهند حزب جدید و مردمی صلح آفرین افغانستان را تأسیس نمایند . امکانات اجتماعی- سیاسی برای وجود آمدن حزب دهقانی در کشور موجود است . با وجود تمام رنجها در حدود هشتاد هزار دهقان زمین های را که در نتیجه اصلاحات ارضی بدست آورده اند ، تاکنون بالای آنها کار می نمایند . در حدود چهل هزار دهقان عضو کورپراتیف ها میباشند . نمایندگانی در دموکراتیک ترین سته دهقانان تاسیس حزبی را که بتواند منافع خاص آنها را بازتاب دهد و از آن پشتیبانی کند ، پیشنهاد می نمایند .

این را نباید نفی نمود که در آینده ضرورت ایجاد حزب دموکراتیک که منافع بورژوازی ملی را منعکس سازد مطرح میگردد .

واضح است که اگر یکی از احزاب هفتگانه و یا سازمان های سلطنت طلب میان رو مصالحه ملی و علنی ساختن خود را در افغانستان موافق نماید ، در آنصورت تمام آماده همکاری سازنده هستیم . پیشنهادات مطروحه را احتمالا بهتر است در جریان تهیه فرمان مربوط و همچنان طرح قانون اساسی بررسی کرد . علنی ساختن سبب پیوسته چند حزبی از حزب ما می طلبد تا اشکال و شیوه های کار را تغییر داده ، انضباط خاص و مسوولیت خاصی را بعهده گیرد . باید آماده چنین امری باشیم .

متحد ساختن همه نیرو های بعترقی در جبهه واحد دموکراتیک بر علیه محافل ارتجاعی که از حمایت جبهه جانبی ارتجاع منطقه بین المللی بر خوردار میباشند ، به عقیده ما یگانه راه واقعی استقرار نظام دموکراتیک در کشور و سد مطن در برابر ارتجاع میباشد .

ما بار ها و بار ها تمام دموکراتها و وطن پرستان واقعی بخاطر فعالیت های مشترک برای قطع جنگ ها ، برادر کشی ، بهبود زندگی مردم ، تأمین انکشاف کشور به سوی ترقی ، دموکراسی و استقلال دعوت نموده ایم . بنصیر بر خورد با این مناسبات بر روی نشان میدهند که بدون تردید همه احزاب ، سازمانها و گروپ های سیاسی را به دو بخش یعنی آنانی که از مردم و وطن مو طلب می نمایند و آنانی که بالای رنج اندوه و وطن و مردم تجارت میکنند ، تقسیم مینمایند . ما خیال بر دات زان نیستیم تا همه مشکلات دست یابی بوحدت عمل حزب ما با سایر نیرو های دموکرات کامل دارد .

تیک ، ملی و وطن پرست راساده تلقی نماییم . ولی موضع مستحکم ما چنین است که احزاب و سازمان های و اقصاد دموکراتیک که بخاطر سر نوشت مردم و کشور نگران اند ، اختلافات خویش را نباید از طریق نظامی حل نمایند . درباره برخورد انتلافی در فعالیت سازمان های اجتماعی در این پروسه نقش خاص بر عهده جبهه ملی ، اتحادیه های صنفی جمهوری دموکراتیک افغانستان ، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان ، شورای سراسری زنان افغانستان میباشد . آنها میتوانند کار زیادی را در گسترش تماسها با جانب مقابل انجام دهند . مشی مصالحه ملی تازه گی و پیچیده گی وظایفی که باید عمل شوند سطح هر چه عالی تر کار سیاسی و تربیتی را می طلبد . کار تربیتی قبل از همه اساس پیوند حزب با توده هاست . این پیوند ها وقتی محکم خواهند بود که ماکار انفرادی را تقویت بخشیده ، با مردم بازیان ساده و قابل فهم صحبت نماییم . اگر اندیشه ها و حرف ها از قلب ما برخیزد در آنصورت میتوانیم به قلوب دیگران بنشینیم .

کمیته مرکزی و دولت اشتراک دانشمندان ، استادان ، معلمان ، کارمندان عرصه ادبیات و هنر مندان ، نماینده گان ، روحانیون را در تبلیغ سیاست مصالحه ملی علنی ارزایی مینماید . بیروی سیاسی کار دومین کنگره اتحادیه های ایجاد گرو انتصاب آکادمیسین ها و کاندیدان آکادمیسین ها را مثبت ارزایی نموده است . باید به رشد آکادمی علوم بیشتر پرداخته شود . در زمینه ما بخاطر بذل کمک به ساختن و تجهیز کامپلکس آکادمی علوم تصمیم گرفته ایم . در رابطه با آماده گی بخاطر دهین سالگرد انقلاب کار وسیع تبلیغاتی سازمان دهی گردد ، هر سال سپری شده در این راه سال کار و امتحان بزرگ بوده است ، بیانید از سال گذشته خویش دفاع کنیم هر یکی از آنها برای مردم ما و دوستان ما به قیمت عظیم تمام شده است .

وظیفه مقدس ما تسریع پرورش احساس سیاسی ، عشق و احترام نسبت به خلق کبیر شوروی ، حزب کمونیست اتحاد شوروی بخاطر پشتیبانی از افغانستان ، بخاطر بذل کمکهای بی شایبه و برادرانه شان است .

ما هنوز مبارزه به خاطر مصالحه ملی ، به خاطر انتلاف تسخیر توده ها و همکاری با جانب مقابل را بطور واقعا کامپلکسی نیاموخته ایم . بگذار این کار اندک ولی کامپلکسی باشد . شمار زیاد بخشها و استقا متهای این کار هنوز از پلان عقب می مانند ، جبهه حرکت ما به پیش همسان نیست ، نباید بخشهای عقب مانده در مصالحه ملی وجود داشته باشند زیرا کسی که در اینجا عقب می ماند مسوولیت کار خود بعهده میگیرد .

سوم : در باره مسائل ساختن نظامی در شرایط مصالحه ملی :

باید گفت که پلان های مربوط به امر انکشاف در کشور در عرصه سیاسی- اجتماعی بوضع امور در عرصه نظامی بسته گی اختصا می یافته اند باید واحد

ما بار ها تذکر داده ایم که بعد از اعلام مشی مصالحه ملی قوای مسلح در جریان روز شرایط آتش بس را جدا رعایت میکرد ، تقریبا طی دو ماه هیچگونه آتش گشوده نشد . بدین ترتیب در جریان دو ماه بزرگترین اردوی رزمده در منطقه یک فیر هم نکرد و صرف زمانیکه مردم دریاخ به تقویت چندین مرتبه یسی آتش از جانب دشمن تقاضا نمودند تا ضربه متقابل بالای دشمن وارد گردد ، ما به اقدامات دست زدیم ، ولی تمام جبهه نیان دیدند و در گذرد که طی ۵۲ روز ما حرف خود را جدا رعایت نمودیم .

دشمنان افغانستان ، دشمنان مصالحه مدخله مسلحانه را از خارج در امور داخلی کشور افزایش میدهند . ابعاد جنگ اعلام نشده علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان توسعه می یابد ، در بعضی مناطق از لحاظ سترا تژی یکی مهم وضع پیچیده بر جای خود باقی مینماید . واشنگتن و اسلام آباد مشی مبتنی بر افزایش تشنجات نظامی در افغانستان را در پیش گرفته اند ، اشرار فیصله نهایی را مبتنی بر ناکام ساختن سیاست مصالحه ملی اتخاذ نموده اند .

تلاطمها بخاطر خشن ساختن پروسه مصالحه از طریق نظامی و وظایف مبتنی بر عقیم نمودن فعالیت های ضد انقلاب ، از بین بردن بانه های آشفتگی ناپذیر ، امحای دیو ها و پایگاه ها ، کاروا نیهای حامل سلاح و ستر مطن سرحدات افغانستان با دموکراتیک افغانستان را در مقابل قوای مسلح و قبل از همه اردو قرار میدهد .

کاملا طبیعی است که انجام موفقانه این وظایف مستلزم تحکیم مزید اردو ، خاردندی و ارگانش است و در این زمینه میباید با یک سیاست اقدامات رادارین استقامت اتخاذ نموده ایم مانند تصویب قانون جدید مملکت عوممی عسکری ، افزایش مصا شات منسو بین قوای مسلح و وضع امتیازات اضافی برای آنها .

باید پروسه ایجاد سیستم واحد پلان گذاری و سوق و اداره فعالیت تمام انواع و اجزای قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان را تقویت بخشیم . حرف بر سر چنین ساختاری است که مبتنی بر اصول عتقوی سازماندهی دفاع از دولت افغانستان و ساحة زیست قبایل میباشد . در این ساختار علاوه بر قطعات و جزو تام های منظم عسکری که اساسا برای پیشبرد عملیات نظامی اختصاص یافته اند باید واحد

های منطقی را که بطور کلی مسایل تحکیم قدرت دولتی را در قریه ها حل و فصل مینمایند ، نیز در نظر گرفت .

اردوی منظم افغانستان در زمان احمد شاه فقط ثلث مجموع قوای آنها را تشکیل میداد .

ممکن سوا لی بود که آیا تمام این اقدامات با سیاست مصالحه ملی در تناقض قرار ندارد ؟ تمام این تدابیر مخالف این سیاست نیست ؟

نه ، در تناقض قرار ندارد بلکه بر عکس وضع چنین می طلبد . زیرا که این اقدامات علیه آنانی که سیاست مصالحه ملی را می پذیرند متوجه نیست . این اقدامات علیه آنانی که منافع مردم افغانستان ، قطع عاجل جنگ برادر کشی و استقرار صلح در سر زمین افغانستان را برای شان ارزشمند است ، مطلوب نیباشند .

ولی در این مورد نیز مایار ها اعلام نموده ایم که سیاست مصالحه ملی علامه ضعف ما نیست . بدین مفهوم سیستم مردم افغانستان ، قطع عاجل جنگ برادر کشی و استقرار صلح در سر زمین افغانستان را برای شان ارزشمند است ، مطلوب نیباشند .

ولی در این مورد نیز مایار ها اعلام نموده ایم که سیاست مصالحه ملی علامه ضعف ما نیست . بدین مفهوم سیستم مردم افغانستان ، قطع عاجل جنگ برادر کشی و استقرار صلح در سر زمین افغانستان را برای شان ارزشمند است ، مطلوب نیباشند .

ولی در این مورد نیز مایار ها اعلام نموده ایم که سیاست مصالحه ملی علامه ضعف ما نیست . بدین مفهوم سیستم مردم افغانستان ، قطع عاجل جنگ برادر کشی و استقرار صلح در سر زمین افغانستان را برای شان ارزشمند است ، مطلوب نیباشند .

ولی در این مورد نیز مایار ها اعلام نموده ایم که سیاست مصالحه ملی علامه ضعف ما نیست . بدین مفهوم سیستم مردم افغانستان ، قطع عاجل جنگ برادر کشی و استقرار صلح در سر زمین افغانستان را برای شان ارزشمند است ، مطلوب نیباشند .

و کار های زرا عتی که در گند شته نیز پوسیده است اردو ، خاردندی و ارگان های امنیت دولتی پیشبرده میشوند .

ولی حجم این کار ها اکنون به مراتب بزرگتر است . کار با مها جری ، توزیع کمک های بلا عو ضی کار وسیعتر ترویجی تبلیغی در مناطق روستایی و آنها افزوده شده است کافی است گفته شود که در طی مدت مصالحه ملی پروژه ها و گروپ های تبلیغاتی اردو ، خاردندی و سراسری از سه هزار بار به علاقه داری ها ، و لستالی ها و قریه های هاسفر نموده اند ، کمک های بلا عو ضی به ارزش مجموعی بیشتر از هشتصد میلیون افغانی به سیله آنها به اهالی توزیع شده است . اکنون لازم است اینکار را همه جانبه تقویت بخشیده و از تجربه ها و اندوخته ها بهتر استفاده کرد و نواقص موجود را بطور او براتی تیغی مرفوع ساخت . ما مکلف هستیم به اردو کمک کنیم تا به نیروی مستند برای حل مستقلانه هر گونه وظایف محاروبی تبدیل گردد . این وظیفه در جبهه ما است ، قوای مسلح افغان حزب ما و مردم ما است . نیروی حزب در مردم و در وجود اردو نهفته است .

چهارم : وضع در عرصه اقتصاد چگونه است ؟

نیروی سیاست مصالحه ملی قبل از همه در برخورد کامپلکسی نسبت به آن در وحدت عمل بر عهده های نظامی ، اجتماعی و اقتصادی نهفته است . تمام این عرصه ها در ارتباط متقابل نزد یک با یکدیگر قرار داشته و لازم و ملزوم یکدیگر اند و لست ساحة اقتصادی در اینجا مقام بخصوص داشته و وسیله نیرو مند تحقق مصالحه ملی باشد .

تلاش برای صلح بهتر پس امکانات را برای این منظور بوجود می آورد که اقتصاد به خط مقدم مبارزه به خاطر مصالحه و در عین زمان به مینا ت مطن عقب جبهه آن میدل گردد .

ما تمام دلایل را داریم تا به نایندگی از پلینوم از زحمت کشان کشور و قبل از همه از طبقه کارگر بخاطر اینکه به اثر کوشش آنها محصولات ناخالص ملی تولید شده در کشور به ۱۵۰۶۶ میلیارد افغانی رسیده و به اندازه ۷۳۷ فیصد از سطح سال ۱۳۶۴ تجاوز نمود این را در حالیکه این شاخص طی هفت سال گذشته صرف به اندازه ۴۰۶ فیصد رشد کرده بود . عاید ملی مساری به ۱۰۲۰۶۵ میلیارد افغانی است که نظر به سطح سال گذشته نیز به اندازه ۴۲۰۶۶ فیصد بیشتر است .

پلان عرصه ساختن های اساسی ۱۱۳۸۸ فیصد تقبیل گردیده است . پروژه های مهم همکاری افغان - شوروی مانند سیستم های تکنیکی ، تونل سالنگ ، تعمیر خطوط پرواز های داخلی میدان هواپی کابل ، این انتقال برق ۱۱۰ کیلو ولت اتحاد شوروی - کنده ، ستیشن یک هزار کیلو وات موج متوسط رادیو در شهر کابل ، دستگاه ذوب و ریخت آهن در جنگلک ، دستگاه پرو سس کانه نسات گاز دلمعدان جر قدوق ، بانک خون خانه های نشین و شمار دیگر فیصد وعاید ملی به ارزش

مورد بهره برداری قرار گرفتند .

در عین زمان برای عده از وزارت خانه ها و ادارات ، سازمانهای حزبی ، پلان های رشد اقتصادی و اجتماعی به قانون میدل نشده است که باید بلا انحراف تطبیق شود .

کار با متبشین ملی تحرک حاصل نموده است ، ارگان اداره خودی متبشین خصوصا یعنی شورای مشور تسی اقتصادی صلاحیت های وسیع حاصل نموده و از منافع خود در عالی ترین سطح حکومتی نمایندگی و دفاع مینماید این همه اساس خوبی برای رشد همکاری سکتور های دولتی و خصوصی به وجود می آورد . اولین کنفرانس سراسری متبشین خصوصی که در ماه حمل دایر گردید نقش خاصی را ایفا نمود . اسنادی که در این کنفرانس به تصویب رسید گواه این مطلب است که متبشین ملی سیاست مصالحه ملی را بجا می آورند .

شرکت کنندگان کنفرانس به مشی جدید نه تنها با بالا کردن دست بلکه با سرمایه خود رای دادند . این مطلب مبین مطالب زیاد و قبل از همه اقتصاد به دولت و طبینان به فردا است . کافی است گفته شود که دولت طی شش ماه اخیر ۱۱۰ در خواست را به متبشین سرما به گذاری از متبشین ملی دریافت نموده است . متبشین ملی برای استفاده از کریک ت پنجاه میلیون روپل که حکومت برای رشد سکتور های خصوصی و مختلط اقتصاد از اتحاد شوروی به دست آورده است ، دلچسپی خاصی نشان داده اند .

ضمین صحبت در مورد رشد اقتصاد محلات لازم است تا مینا ت خودی و خود کفایی تشدید گردد ، کار به جایی کشیده است که ما گندم رابه محلات ولایا تسی انتقال میدیم که قبلا نه تنها خود را تا مین می نمودند بلکه محصولات ما را از شانرا بفروش میرساندند . ارسالی هواد از مرکز نباید گراشی اهالی محل را برای دریا فست و بکار گرفتن منابع محلی متبشین خصوصا از تشویق نموده و محلات آنها را که به حال در محلات آنها ضعیف استفاده میشود ، تقابل استفاده سازد .

ما شاهد ظهور اشکسالی جدید همکاری با اتحاد شوروی هستیم . هدف منحصرا ری ایلان های روسیه و آسیای میانه اتحاد شوروی و ولایا ت میباشند .

این همکاری ها را نباید به ملاقات های رسمی و گفت و شنودها تلقی کرد بلکه دوستان ما را در حال مسایل زیاد اجتماعی اقتصادی کمک خواهند کرد .

اداره مخصوص در چوکات شورای وزیران در مورد روابط همکاری با جمهوری های اتحاد شوروی ایجاد میگردد . طرح های حزب در امر ایجاد ثبات در اقتصاد بمشابه تهاد پایدار تحقق سیاست مصالحه اساس پلان رشد اقتصادی و اجتماعی جمهوری دموکراتیک افغانستان را در سال ۱۳۶۶ تشکیل میدهد . کشور باید محصول ناخالص ملی را نظر به قیمت های سال ۱۳۵۷ به ارزش ۱۶۲۰۳ میلیارد افغانی با آهنگ رشد ۴۲ فیصد وعاید ملی به ارزش

۱۰۷۶۲ میلیارد افغانی و آهنگ رشد ۴ فیصد تو لید نماید . برای ما لازم خواهد افتاد تا تولید نفت ، سمست ، پخته و ولبلو بسیاری عرصه های عقب مانده را جبران نماید . اینست وظیفه اساسی و نخستین ماکه برای حل آن باید تمام سازمان های حزبی ، سسات ، کادرها ، رهبری وزارت خانه ها و ادارات خوب کار نمایند ، لازم است تابه تصداتی که در پلان و قانون درج گردیده است وفا نمود .

پنجم : رفقا !

جبهه اساسی مبارزه به خاطر مصالحه ملی از طریق دهات افغانستان و از میان قلب دهقانان ما میگذرد . انفاذ فرمان هیات رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان در مورد اصول اساسی حل و فصل مناسبات ارضی و آب عبارت از گام بزرگ سیل سی و اجتماعی ، اقتصادی و

اینگار جمهوری میباشند که قانون تصدی های عینی رشد جامعه ما را در شرایط مصالحه ملی و توافق سراسری در نظر گرفته و برای ما شرایط مساعد کار را به دهقانان میباید مساعد اهداف سترا تژی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در مسئله ارضی - دهقانی طوریکه در برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان درج گردیده است ، تفسیر ناپذیر انحراف وجود ندارد و وجود داشته نمیتواند .

برخورد جدید در چه خلاصه برخورد حزب در تحقق سیاست ارضی بطور اساسی تغییر میکند . توجه به سوی دفاع از منافع دهقانان متوسط افزایش می یابد ، دهقانی که بعد از انقلاب زمین بدست آورده اند و بالای آن کار نموده اند برای مدت نامحدود حق استفاده از آنها خواهند داشت .

نصاب اعظم زمینداری به جای سی جریب قبلی یکصد جریب تعیین شد ، چرا ؟

اول - اصلاحات ارضی و آب که بعد از انقلاب نور آغاز گردید نتایج مطلوب و موثر را بپار نیابورد . طوریکه قبلا در زمینه صحبت شده بهین بدست مزاحجه گردید ، از جمله زمینهای که به حصا بصدورده (۴۴۰) هزار هکتار زمین برای ۳۴۰ هزار خانوار دهقان بی زمین و کم زمین توزیع گردیده بود ، در حال حاضر صرف بالای یک بیچهار قسمت یعنی ۲۵ فیصد آن کار حاصل شده است ، توزیع شده اساسا بر استفاده مانده اند . دلایل این امر زیاد برای ما واضح اند .

با توزیع قطعات کوچک زمین یعنی پنج جریب برای دهقانان کم زمین و بی زمین ما تفراتستیم آنها را با ذخایر مادی ، سامان آلات ، تخم بذر ، کود کیمیاوی و کریت ها ، و مهمتر از همه از لحاظ آب تأمین نماییم .

اما این بدان معنی نیست که بالای زمین نباید کار صورت گیرد ما اقتدر ثروتمند نیستیم که این زمینها را بصورت لامر - درونگه داریم مادیر نمیتوانیم با کمبود مواد غذایی موافق نموده صرف بالای کمکهای اتحاد شوروی انگاء نماییم و از همین رو است که تصمیم توزیع زمینهای بایر برای آنها تیکه میتوانند از آن استفاده نموده ، تولیدات زراعتی را بالا ببرند ، اتخاذ گردید .

دوم - بر قراردی اندازه اعظمی زمین داری سی جریب بطور مصنوعی اندازه زمین را که برای اقصاد نور مال مفید بوده و همچنان مناسبات عنعنوی را تخریب کرد در عین زمان بالای دهقانان متوسط نیز فشار وارد گردید . با اعلام فرامین مبتنی بر تصدیق اداره و کنترل بر نصاب زمین از پنج تا سی جریب و با تیار علاه قاعدی بخاطر اجتماعی ساختن قوری دهات ، مادر مرحله معین قنوا تین عینی اقتصادی را نادیده گرفتیم و از همین سبب است که ما اکنون نصاب اعظمی زمینداری را به یکصد جریب بالا برده ایم ، این گام به مفهوم گذشت از اصول نبوده بلکه ضرورت عینی اقتصادی و سیاسی میباشد .

این امر نیز در نظر گرفته میشود تا اندازه سیاست زمینداری آنها تیکه در تحقق مشی مصالحه ملی نقش بزرگی داشته و سهم زیادی در امر قطع جنگ و خونریزی ، استقرار صلح و آرامش در سر زمین ما دارد ، محدود نگردد . خدمات چنین اشخاصا وظیفه است باید توسط کیسیون های مصالحه ملی تأید گردد . برای متبشین خصوصی نیز شرا یه معینی ایجاد میگردد . آنها میتوانند بکار ایجاد باغها و تاکستانها بپون محدودیت ساخته آن و ایجاد فارمها و موسسات بزرگ میکانیزه زراعتی مشغول گردند ، این تدابیر باید به نیرو های جدیدی را به اقتصاد مردمی جلب نماید .

مشی حزب و دولت به ارتباط رعایت اساسات دین مقدس اسلام ، عنعنات و عادات مردم نیز بدرستی اسکا سی یافته است . مثلا زمینهای وقفی تحت محدودیت قرار نخواهند گرفت ، زمین بین ورگه در وضع خاص یعنی بر اساس اصول (ترکه) و حصر وراثت ، توزیع خواهد گردید .

مسایل ذکر شده این امر را بصورت قانع کننده به اثبات میرساند که حزب و حاکمیت بادرک واقعیتها به حل این مساله خیلی مهم پرداخته اند . بر خورد چه به همچنان جوانگوی منا حق اقتدار تبهی دست دهقانان یعنی دهقانان کم زمین و بی زمین میباشد . توزیع زمین بشکل متفاوت در نظر داشت ساحت موجود ارضی در منطقه معین حاصل دهی و تأمینات آن از نگاهب و همچنان به نظر داشت تشاد اعضای قابل صورت خواهد گرفت .

در حل و فصل مناسبات جدید از عینی نقش اساسی بخود مردم تعلق دارد . بیا تید دموکراسی را وسعت بخشیم ، باید به خرد و عقل مردم خود بیشتر اعتماد نماییم . بکلی واضح است که توزیع زمین و آب بخشی از پروژه گرام ارضی حزب را تشکیل میدهد . ما نباید به ضرورت حل کامپلکسی مساله ارضی را فراموش نماییم . نیاز مندی های کاملا تولیدی یعنی زراعتی دهقانان در عین زمان خواهان توجه است در اینجا نقش وزارت خانه های زراعت ، آبیاری ، اتحادیه کورپراتیف های دهقانی و دافغانستان ، بانک و وزارت خانه های دفاع ، امنیت دولتی ، امور داخله به یک کله تمام حزب و دولت خیلی بزرگ است . به حفظ و رشد اقتصاد پایدار باید هم صیاست (ص ۴)

۷۸۰	صندوق پستی	۶۱۹۴۱	اداری :	۶۱۷۰۳	شعبه نامه ها :	۶۳۶۱۴	سکرتار مسئول :	۶۲۴۷۴	مدیر مسئول
۹۱۸	حساب بانکی :	۶۱۰۴۲	سوچبور :	۶۱۱۱۸	شعبه اطلاعات :	۶۱۰۴۱	نوکر بیوا شپ :	۶۱۴۵۸	معاون :